

کتابخانه های اسلامی

در بین کتب خانه من این کتاب کمبود است اراده دارم که این را بنحرم تا تکمیل شود. زمانیکه صالحنامه بین بن یوسف سلطان مغرب اقصی و دون سنخو منعقد گردید از جمله شرط آن یکی این بود که دون سنخو کتاب های مسلمانان را که بغنیمت برده مسترد سازد. دون سنخو آن ها را پس داد سلطان همه آن کتب را در مدرسه که بفاس بنا نموده بود گذاشت تا شاگردان آن مدرسه استفاده نمایند.

چون خلفای عبا سیه ضعیف گردیدند. ملوک الطوائفی قوت گرفته بنو سامان در بخارا و بنو حمدان در شام و بنو بویه در شیراز و فاطمیان در مصر دولت های مستقل تاسیس نمودند هر کدام از این دولت مستقل در نشر علم و صرفان و تاسیس مؤسسات علمی بیکدیگر همسری میکردند. نوح بن منصور در بخارا کتابخانه بزرگی را تشکیل داد که در آن از هر فن کتب زیاد و مشهوری وجود داشت که نظیر آن ها در جای دیگری دیده نمی شد. چنانچه ابن سینا ازان یادآوری کرده میگوید که در بین این کتابخانه داخل گردیدم و در آن کتب بی نظیر را جمع بهر علم و فن مشاهده کردم و نیز در آنجا با خذ علوم اوائل مختلفه نائل شدم.

نوح بن منصور به صاحب بن عبا در تبه وزارت را تکلیف کرد؛ مگر صاحب بن عبا قبول نکرد عذر پیش آورد که تا کتب خود را همراه نیارد آمده نمی تواند نقل کتب هم امکان ندارد تا چهار صد شتر نباشد.

بشاری میگوید که عمادالدوله در شیراز کتبخانه خیلی بزرگی ساخته آن را در پهلوی قصر خود جاداد که نظیر آن در ممالک اسلامی دیده نمی شد. همچنین امام تعالی فرموده که هیچ کتبخانه از کتبخانه های امرای عباسی مثل کتبخانه سیفالدوله کتب زیادی را حاوی نبود. سیفالدوله به ابونصر فارابی تا وقت وفاتش خیلی شفقت داشته آنرا از جمله قربان خود میداند. ابوالفرج اصفهانی پنجاه سال را در جمع کتاب اغانی صرف نموده آنرا به نزد سیفالدوله برد. سیفالدوله بگهز ارطال بآن بخشیده از قلت پول در آن وقت نزد صاحب اغانی عذر کرد.

محمد بن اسحاق گفته است که: در شهر جدید بکه به پهلوی موصل واقع بود شخصی سکونت داشت که آنرا محمد بن حسین میگویند و مشهور بود به ابن ابی. این شخص بجمع آوری کتب و قطعات مکتوبه شهرت داشت و برای محافظت کتب و چیزهای فراهم کرده گی خود محای ساخته بود که در آن قطعات زیادی از کتب عربیه در نحو، لغت و ادب و کتب قدیمه موجود بود. اما هیچ وقت نمیخواست چیزهاییکه در مخزن کتبش وجود داشت کسی به بیند و از طرف بنی حمدان خیالی خائف بود چند بار با هم دیدیم نابامان انس گرفته روزی از طرفی بر ایمن از خزانه اش بیرون کرد که در آن سه صدر طل جلود فلجان و سکاک و قرطاس و صرخی و ورق چینی و کتبی میخاستی و جلودادام موجود بود. در آن تعلیقات از عرب ها، قصائد مفردات و از اشعارشان، بعضی چیزها از نحو، حکایات، اخبار، اسماء و القاب و دیگر چیزهای از علوم عرب و دیگران وجود داشت. ابن ابی نعمت گفت که شخصی بود از اهل کوفه که با من دوستی زیاد داشت هم مذ هب بودیم زیرا که شیعه بود و بارها من بآن احسان کرده بودم. این شخص در جمع آوری خطوط قدیمه خیلی مشهور بود چون وفات کرد تمام چیزهاییکه فراهم آورده بود به من تسلیم نمود. تمام اشیائیکه در آن ظرف موجود بود زبر و بالا نمودم چیزهای عجیب دیدم مگر سر و رزمان آنها را مندرس و کهنه ساخته بود بهر جزو ورق و مدرج آن تویق ها دیدم بخطوط علما که یکی بعد دیگری وجود داشت و در پائین

هر کدام از آن ورقه ها، پارچه مدرج ها تجر بر گردیده بود که این خط از فلان کس می باشد و در میان آن ها قرآن کریم دیدم بخط خالد بن ابی الیهیاج رفیق علی (رضی الله عنه) نوشته شده بود این . صحف بعد از آن بدست عبد الله بن حسان رسیده بود . دیگر در آن میث خط های امام حسن (رض) و امام حسین (رض) و عهد نامه ها بخط حضرت علی (رض) و دیگر کاتبان رسول الله (ص) را مشاهده کردم . پارچه ها تیکه بخطوط علما مثل ابی عمر و اسحاق بن اعلا و ابی عمر والشیبانی و الاصحعی و ابن الاعرابی و سیبویه و فراه و کسایی در نحو و لغت نوشته بودند و وجود داشت . خطوط اصحاب حدیث از قبیل سفیان بن عیینه و سفیان الثوری و اوزاعی و نیز بر خوردم بچیزیکه دلالت میکرد باین که قواعد نحو از طرف ابی لاسود وضع گردیده این حکایت نیست بلکه حقیقت دارد زیرا که در اینجا چه رورق که اغلباً ورق چینی بود در آن از فاعل و مفعول بحث میراند و از ابی اسود بود این چهار پارچه بخط یحیی ابن یعمر تحریر شده بود و در تحت آن بخط عنیق تحریر گردیده بود که این خط علان النحوی و در زیرش نوشته بود این خط ابن شمیل است و قنیکه ابن ابی قفوت گردید از آن چیزها تیکه فراهم آورده بود بغیر این قرآن کریم که در دست دارم اثری نیافتم .

شوشگاه علوم اسلامی و مطالعات و پژوهشها

باقوت سیماح ذکر کرده است که در مرور زیاده از دو آژده کتابخانه وجود داشت . کتاب های این کتابخانه ها خیلی زیاد بود از آنچه معجم البلدان ذکر کرده است صاحبان آن بدان کتب بطور عاریت بخیلی نمیگرداند . میگویند اکثر تاشصت جلد کتاب از صاحبان این کتابخانه ها بطور عاریت نزد جمع میکردید .

قبلاً به کتابخانه هائیکه حکم در انداس تاسیس نموده بود اشاره گردید . اقرار باید کرد که هیچ کتابخانه بر آن ها تفوق نداشت الا کتابخانه هائیکه فاطمی ها در قاهره گرد آورده بودند . مورخین در تعداد کتبیکه کتابخانه های فاطمی ها در برداشت با هم اختلاف دارند . مگر میگویند که کم از کم صد هزار کتاب

در آن موجود بود و دو کرة مجسمه که یکی آن خیلی قدیمی و دیگر آن را ابوالحسن برای اسدالدوله ساخته بود نیز در آنجا وجود داشت در سنه ۳۹۵ خلیفه که حاکم جا بود دارالعلم انشا کرد که موسوم بود بدارالحکمت و در آن علمای عصر را در هر فن جمع نموده سالانه (۲۵۷۰) دينار برای نفقه آن ها می پرداخت .

سیس اکثر این کتب تلف و برباد گردید حصه بزرگ آن را در بدل معاش مستخدم مینیکه کتاب را حفاظت میکردند داده شد

این طویر میگوید که در یکی از مجالس مارستان امروزه یعنی مارستان عتیق کتبا بخانه وجود داشت که خلیفه وقت بعضاً در آن تشریف آورده در محل مخصوصیکه در آنجا تهیه شده بود می نشست کتابدار حاضر گردیده نسخه های قران کریم را که منسوب بخطاطان مشهور بود و دیگر کتاب ها بیکه طرف توجه خلیفه واقع میگردد حاضر میکرد بعد ازان که از ملا حظه خلیفه فارغ میگردد ایداعاده می نمود . کتاب دارو مامور این کتاب خانه درین وقت جلیس ابن عبدالقوی بود . این کتاب خانه دارای طاق ها و رف های زیادی بود که هر کدام آن ها دروازه داشته قفل گردیده بود درین کتابخانه کتب زیادی از هر صنف مثل فقه در سائر مذاهب ، کتب حدیث تواریخ ، سیر الملوك ، نجات ، روحانیت و کیمیا که عدد آن ها بار سائل به دوسد هزار مجلد میرسید وجود داشت علاوه ازان درین کتابخانه بعض نسخه های ناقص نیز موجود بود . در روی دروازه هر کدام ازین رف ها نام صنوف کتب آنها بورقه نوشته شده نصب گردیده بود . مصاحفیکه درین کتب خانه وجود داشت در محلیکه در فوق همه تهیه گردیده بود نهاده میشد . بعض پارچه های که بقلم اشخاص مشهور مثل ابن مقله و ابن البواب تحریر یافته بود نیز دیده می شد . اختیار فروش این کتب در زمان صلاح الدین به این صورت تعلق داشت . چون خلیفه می خواست که رفته درین کتابخانه بک گردش بکند . دو نفر ناسخ و دو نفر فراش نیز در آنجا مقرر

بود که صاحب قدر و منزلت بودند. ابن ابی طی بعد از آن که از استبلائی صلاح الدین بر قصر بحث میراند در ضمن چیزهاییکه فروختند از کتاب خانه و سیع قصر که یکی از عجایب دنیا بود نیز تذکر میدهد. میگویند در تمام بلاد اسلام کتابخانه بزرگ مثل کتابخانه نیکه در قاهره بقصر بود دیده نمی شد از همه عجیب تر اینکه هزار و صد و صد جلد تنها تاریخ طبری در آنجا موجود بود عدد کتب این کتابخانه را یک میلیون و سه صد هزار گفته اند علاوه بر آن اشبای د بگرو خطوطیکه باشخاص معروف و مشهور نسبت داشت نیز وجود داشت. چیزی که مؤید سخن گذشته است این است که قاضی فاضل عبدالرحیم بن علی وقتی مد رسه فاضلیه را تاسیس نمود یک صد هزار جلد کتاب از کتابخانه قصر را گرفته در آنجا برد و نیز بیشتر گفتیم که این صورت فرستاده کتاب در مدت چند سال بی در پی از آن کتابخانه بطور دفعه بفرخت پس اگر تمام کتب آن کتابخانه یکصد هزار می بود البته قاضی فاضل نمیتوانست که یکصد هزار کتاب دستیاب نموده مد رسه فاضلیه وضع نماید و این اصل میگوید عدد کتب کتابخانه از یکصد هزار و بیست مجلد زیاد می شد. مقریزی و ابو المحاسن و نویری گفته اند در زمانه چیزهاییکه از خانه امین الدوله ابی بچی سامری دستیاب گردید کتابهای گران بها و قیمت داری بود که عدد آن ها به یکصد هزار مجلد میرسید و بعضی از آن ها بخط نساخان بزرگ و نامدار تحریر گردیده بود. وقتی امام نورالدین علی ابن جابر در قاهره سنه ۷۲۵ و فات نمود از کتابخانه آن ۶۰۰۰ جلد کتاب بدست آمد.

ظاهر است که حصه بزرگ کتابهاییکه در قاهره وجود داشت بسوی شام برده شده قراریکه مؤرخین عرب گفته اند بکک قسمت آن در طرابلس مانده شده بود که در سنه ۵۰۲ وقتی که اهل صلیب آنرا فتح نمودند در آتش زدند. قسمت دیگر آن در مدرسه ناصربه که آنرا ملک ناصر یوسف ایوبی بنا کرده بود قرار گرفت. نویری گفته است از جمله هدیه که ملک ناصر برای خلیفه به بغداد فرستاد سه صد جلد کتاب مشهور و بدیع بود.

ابن خلدون میگوید که کتاب هائیکه علی بن یوسف قفطی از اطراف جهان گرد آورده بود توصیف آن خارج از دایره امکان بود. و بیگانه چیزی که در دست دوست داشت کتاب بود. برای محافظه و اداره کتب خود به ناصر صاحب حلب وصیت نموده بود. قیمت آن مساوی بود به پنجاه هزار دینار.

احمد عسقلانی مورخ میگوید که یعقوب فیروزآبادی مؤلف قاموس هیچ طرف بیسافرت نمیرفت که با خود بارهای کتب را نمی برد بل هر طرفیکه میرفت کتب زیادی با خود حمل می نمود. یکی از چیزهای غریب این است که افریقه از حیث کتب و کتابخانه از هیچ کدامی از ممالک اسلامی عقب نبود. مورخی از اهل قیروان میگوید قاضی آنجا که نامش ابوالفضل احمد بود یکمده کتب فراهم آورده بود که بعد از وفاتش به هزار دینار بفروشد رسید. وقتی قریب یکسان در ۸۱۷ بر سبته مستولی گردیدند هر چیزی که در آنجا یافتند بردند حتی کتب آنها را که خیلی زیاد بود نیز نقل دادند.

یکی از چیزهاییکه خیلی اسف آوراست و باید ذکر کرد این است که مورخین عرب در اثرات خود شان از کتابخانه عمر بیه چیزی نگفته اند و احیاناً اگر کدامی از آنها را اشاره نموده آنهم صمنی بوده است و تمام این کتابخانه هاتلف و بر باد گردیده که امروز برای جمع نمودن شهبازه از هم کتب بخته آن را که هیچی نیست جنگ های داخل و ملی فتنه های سیاسی و خصوصاً ت دینی سبب علم و عرفان و عمران را از عالم اسلام دور نمود اگر اقوام مغل که بمثل سیل شدید داخل ممالک اسلامی گردیده تمدن شان در آن ها را زیر و زبر نمودند نمی بود به تحقیق که ذخائر علمی آن ها تا امروز باقی و یا بدار می ماند. پس وقتی آن ها بخارا و سمرقند را فتح نمودند بدوجه انتقاد در خرابی و بربادی مؤسسات علمی و مدنی آن سامان تشدد نمودند. ابن هلاکو در سنه ۶۷۱ مدرسه مسعود بیگ را در بخارا که وسیعترین دارالعلوم های عصر خود بود سوختاند. کتاب های زیاد آن سوخته و تلف گردید. چون هلاکو شهر حماه را فتح کرد کتاب هائیکه در آن موجود بود به قیمت خیلی نازل بفروش رساند. ابن بطوطه نوشته کرده است که تا تارها



منظره يك جاده از شهرهاي عربستان متعلق شماره ۲ سال ۵۰ آئينه

در عراق بیست و چهار علما را کشتند تنهاد و نفر نجات یافتند. نویسنده این مقاله میگوید قبل از آنکه این مقاله را انجام بدهم لازم است که از کتابخانه ها و معارف هند نیز چیزی ذکر کنم. مغول اگر چه وقتی شهرها و مملکت های زیادی مسخر نمودند، اما بعدها بسوی ترقی علم و عرفان توجه نموده کوشیدند. ولی منزلتی را که عربها بعلم و عرفان در قاهره و بغداد و قرطبه صاحب گردیده بودند ذخائر نکردند بهر صورت اولاده چنگیز خان و تیمور لنگ بدین اسلام داخل گردیده در تربیه و ترفیع منزلت علمای اسلام جهد بیشمار نمودند چنانچه در تحت لو آن ها نصیر الدین طوسی و قطب الدین شبرازی و سعد الدین قناری و دیگر مشاهیر نامدار روی کار آمدند. دولت مغولیه در ترقی و تقویت علم و عرفان در هند خدمت شایانی نمودند. سلطان شاه جهان در مطالعه و جمع آوری کتب خیلی حریص بود. قطب شاه و عادل شاه نیز در اهتمام علم و توافقی علمای پیر وی قدم های سلاطین دیگر بلاد را نمودند از بنر و کتابخانه های زیادی در بلاد هند تشکیل گردید مگر در نتیجه شورش و فسادیکه در اینجا رخ داد هیچ اثری از آن باقی نماند زیرا که اکثر کتب آن سوخته و تاراج گردید و اگر چیزی باقی ماند آن هم بقیمت خیلی ارزان فروخته شد.

چون از کتابخانه تیکه در مدینه بطنابه وجود دارد یاد آوری کنم شاید بدون حقیقت بآن افتخار کرده باشم. بلکه مقصدم از تذکر آن تنبیه مستشرقین است. این کتب خانه حالا در حایه حکومت بوده بصورت درستی محافظه نگهبانی می شود. مگر نا وقتیکه يك مطبعه بآن زیاد شده کتاب های مفید و نا در آنرا طبع نموده در دسترس عموم نگذارد مقصد حاصل نگردد. فائده برده نمیشود. پدر مرحوم برای جمع نمودن و استنساخ کتب ذوق مفراطی داشته اکثر دخیل خود را درین راه صرف نمود که عدد آن ها در وقت وفاتش به ۱۴۰۰ جلد رسیده بود چون وفات نمود مرا امر کرد که آنرا بصورت يك کتابخانه عمومی در آورم. من نیز بحیث

جمع کتب را از پدر خود بورانت بردم و بعد از فوت آن کتب زیادی جمع نموده در سنه ۱۸۹۱ در دسترس استفاده عمومی گذاشتم درین عده کتب کتابخانه ام به هشت هزار رسیده بود که در آن زمره يك عده از کتب مفیده علمی و ادبی انگلیزی نیز وجود دارد.

درین کتابخانه کتابهای زیادی از مشاهیر مستشرقین مثل ده صاصی و سرغور ارزلی و مستر بلنشان که اکثر آن بخطوط خودشان حاشیه کرده شده است موجود می باشد.

طوریکه قبلاً نیز اشاره نمودم کتب عربیه در اثر فته های سیاسی و حرب های اهل صلیب تلف و برباد گردید ازین رو کتاب ها نیکه بین قرن دوم و هفتم هجری تالیف گردیده است نادر و کمیاب است کتاب ها نیکه امر و زدر عربی بدست می باشد همه آن ها بین او اسط قرن هفتم و او اخر قرن یازدهم هجری تحریر و تالیف شده اند. مگر من موفق گردیدم بجمع آوری بکعده از کتب قدیمه در فلکیات و جراحیات و طب و فلسفه تعالیم که اکثر آن بخطوط مردمان مشهور تحریر گردیده است. کتاب ها نئی را که بد ریافت آن موفق شدم بصورت مفصل در مجلد اول فهرستیکه طبع کردم تشریح و توضیف نموده ام از انجمله کتابی است که زهر اوی در ۵۸۴ در موضوع جراحیات تحریر نموده است. درین کتاب تصویر آلات جراحیه وجود دارد بعضی از آن ها با آلات جراحیه مشابیهت دارد که همان میر و د زمانه های قریب اختراع گردیده است یکی کتب و یسقورس است در موضوع نباتات که عرب ها آنرا در عهد هارون الرشید ترجمه نموده اند. نسخه ای که در نزد من وجود دارد که جلال الدین شیروان شاه در صیدله و شیراز وضع نموده بود علمای عرب کتب زیادی که درین موضع بنیافته بود با اساس کتاب هیسقورس تالیف نموده اند و درین کتابخانه وجود داشت و نیز درین آن ها کتاب خیلی قدیمی از کتاب های نسابت بن قرة و چریزی از کتب نصرالدین فارابی و عبدالرحیم بیرونی موجود بوده. یکی از

مشاهیر مستشرقین بمن گفت نسخه که از شرح معلقات نزد ما می باشد از نسخه ها ئیکه نزد اروپائی ها وجود دارد خیلی صحیح و درست است مؤلف این اثر نحاس می باشد . دیگر کتاب های زیادی از کتب سلاطین دهلی و بسیار تر از چهار صد دیوان از دیوان های شعرا که بعضی از آن ها بخط بدیع و مذهب تحریر یافته و وجود دارد . کتاب های زیادی از کتب دینی مثل حدیث ، فقه ، اصول ، تفسیر هم بدست است که بر آنها اعضای بسیاری از اشخاص نامدار از قبیل سبکی و ذهبی و ابن حجر وجود دارد و نیز تاریخ هند که آنرا کاتب های مسلمین و ترجمانهای سلاطین مغول نوشته اند موجود است .

اگر به محافظت این کتاب نادره توجه درستی نشود البته در ظرف نیم قرن تمام آنها مفقود و خراب خواهد گردید . و بر ما مورین و اختیار داران این کتب را واجب است که در تنقیح و طبع این کتب اهتمام نمایند و شاید که حکومت هند در طبع و نشر کتب مهمه ادبی و تاریخی صرف جهد نمایند و اگر چنین شود البته فائده آن بعموم مردم و اشخاصیکه سابق وقوف بر موضوعات کتب مهمه می باشند خواهد رسید . و اگر بسوی حالت جهالت و فلاکتیکه فعلاً بر مسلمانان طاری است ، ملتفت بشویم البته ممکن نیست منزات شاندا ری که آن ها در علم و عرفان دارا بودند دو باره حاصل نمایند . لاکن وظیفه مردان است که نامن همت و از دست نداده دانا با جهد خسته ناپذیر در پی بهبودی ملت که آنها در سایه ترقی معارف حاصل می شود یویان باشد و مسلمانانیکه از خواب بیدار گردیده البته بجوانب و اطراف خود دیده میدادند متماطله و مسابقه در میدان حیات با ملت هاییکه از آن ها سبقت نموده می شود بدون غیرت و همت فوق العاده باینصورت انشاء الله بزودی بمقصد خود کامیاب خواهند گشت .

بعد از سفر ۶ صفحه ۱۸ کتبخانه های اسلامی

مقریزی از مسیحی نقل میکند که در مجلس خلیفه عزیز بالله از کتاب العین که مؤلفش خلیل بن احمد است یاد آوری شد خلیفه بفهرست کتبخانه خود رجوع کرد از سی کتاب بیشتر برایش آوردند که يك نسخه آن بخط مؤلفش بود. شخصی برایش يك نسخه تاریخ طبری فرستاد. بمبلغ صد دینار از او خرید چون بکتابخانه خود توجه کرد قریب بیست جلد تاریخ طبری که يك نسخه آن کاملاً بخط مؤلفش بود موجود داشت. و همچنین وقتی از کتاب جهره ابن درید در حضورش مذاکره شد ملازمین کتبخانه اش صد نسخه از کتاب مذکور برایش حاضر کردند.

و هم در کتاب ذخائر میگوید که شماره کتب خانه متعلق به سائر علوم در قصر خلافت بچهل کتابخانه میرسید که از آن جمله يك کتبخانه اش دارای هجده هزار کتاب از علوم قدیمه بود. و ایضاً میگوید که در ماه محرم سنه ۴۶۱ من بمصر بودم دیدم بیست و پنج بارشتر کتاب همه سنگین بار که بسرای وزیر ابی الفرج محمد بن جعفر مغربی حمل میدادند. و انکتابها حصه وزیر و از دیوان محاسبه عوض حقوق غلامانش مبادله شده بود. اما همه آن کتب در همان سال در حین انهزام ناصر الدوله بن حمدان از سرای وزیر بتاراج رفت غیر از او اشخاصیکه همراه هم عصر او بودند ذخایر کتبشان نیز به نهب و غارت تلف شد و همچنین کتبخانه های عظیمه دارالعلم قاهره و آنچه از کتابخانه عماد الدوله ابی الفضل در اسکندریه و با از هر نقاطی که استیلا کرد بکوشش های فوق العاده بدست آمده بود همه اینها در همین سنه ۴۶۱ بدریای نیل انداخته شد حتی کتابهای جلیله القدر و عظیم المثل که در صحت مضامین و حسن خط و تجلید نفیس ممتاز و در سایر شهرها پیدا می شد عوام و قایم آنها را برای کار خود گرفته اوراقشان را میسوختند. باز هم آنچه از غرق و حرق و تلف و حمل در بعضی نقاط بالای هم ریخته و باقی مانده و از هبوب رباح خاك بالای آن توده های کتب افشانده و مستور شده از بسیاری شکل تپه ها را بخود گرفته بود که تا این زمان باقی است و به (تلال کتب) مشهور است.